

## حکمرانی خوب

### Good Governance

تفکیک حاکمیت یا حکمرانی از دولت و ماهیت آن مقوله‌ای است که گاهی در هم ادغام و گاهی به سهولت از همدیگر قابل تفکیک نیستند. اگر حکمرانی را یک نوع مدیریت و اداره سیاسی کشور قلمداد کنیم، در ابتدا به دولت‌شهرهای یونان به خصوص در آتن (قرن پنجم پ.م) و نظریات اندیشمندان و فیلسوفان عصر باستان تا قرن اخیر و همچنین اقتصاددانان سیاسی می‌توان اشاره کرد که هریک به نوعی حکمرانی و حاکمیت را به نوع رژیم و انواع آن گره زده‌اند. در مکاتب اقتصادی و به خصوص از زمان کلاسیک‌ها تا کینزین‌های جدید و اواخر دهه ۹۰ میلادی تفکیک روشن و واضحی بین دولت و حکمرانی دیده نمی‌شود. آدام اسمیت (Adam Smith) و کلاسیک‌ها براساس نظریات ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) و جان لاک (John Locke) به قراردادهای اجتماعی بین مردم و حاکمیت و نظریه توماس هابز (Thomas Hobbes) در کتابلویاتان (Leviathan) -که به نوعی نماد حکومت مقتدر را بیان می‌کرد- به دولت حداقلی و چابک در قالب ارائه امنیت عمومی، حقوق عمومی و خدمات عمومی معتقد بودند. ظهور جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) و دخالت حداکثری دولت برای خروج از رکود عظیم که بعد از پایان جنگ جهانی دوم به دولت بزرگ انجامید و تا سال ۱۹۷۰ ادامه یافت. در این دوره شرکت‌های دولتی به مثابه «قهرمانان ملی» تصور می‌شدند و دولت را عامل تصحیح‌کننده شکست بازار می‌دانستند. بعد از شکست عقاید کینزین‌ها و سیاست‌های طرف تقاضای آن، از اواخر دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۹۰ دولت کوچک و حداقلی با اعمال سیاست‌های طرف عرضه غالب شد. کلاسیک‌های جدید و مکتب شیکاگو خصوصی‌سازی را غایت و کمال مطلوب دانسته و خواهان کاهش سهم و محدود کردن نقش دولت در اقتصاد بودند. لذا، در این دوران نگاه به دولت از «عامل توسعه» به

«مانع جدی توسعه» تغییر یافت اما از اواخر دهه ۱۹۹۰ و همزمان با شکل‌گیری مکاتب دیگر اقتصادی، تحقیقات زیادی به وسیله محققان در مورد مدیریت دولتی و انتخاب بهترین چارچوب حاکمیتی دولت صورت گرفت که در این میان تحقیقات بانک جهانی (World Bank) از جایگاه خاصی برخوردار بود. از اواخر دهه ۱۹۸۰ بانک جهانی بحث حکمرانی خوب را طرح کرد. این نهاد بین‌المللی معتبر در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر کرد، برای نخستین بار حکمرانی خوب را به عنوان «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو» تعریف کرده است.

صندوق بین‌المللی پول (Fund International Monetary (IMF)) بیان می‌کند که حکمرانی خوب کلید موفقیت و توسعه اقتصادی هر کشوری است که در نقطه مقابل آن، حکمرانی ضعیف با سوءاستفاده مقامات دولتی در جهت نفع شخصی خود باعث ایجاد زمینه، انگیزه و فرصت‌های بسیاری برای فساد دولتمردان خود می‌شود که این خود باعث سلب اعتماد عمومی از حکومت، تهدیدی برای یکپارچگی بازار (Market Integrity)، رقابت‌ناپذیری و مخاطره جدی برای توسعه اقتصادی می‌شود (IMF, 2019).

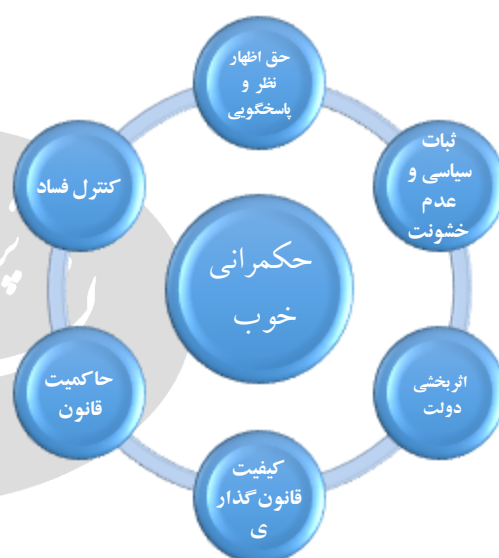
سازمان توسعه اقتصادی و همکاری (OECD) حکمرانی خوب را توانایی کار با محیط‌های گوناگون برای دستیابی به تعادل در سطوح مختلف محلی و بین‌المللی می‌داند.

حکمرانی خوب از منظر بانک توسعه آفریقا همان حکمرانی شفاف است که براساس «پاسخ‌گویی، شفافیت، قابلیت پیش‌بینی و مشارکت» استوار است.

بانک جهانی حکمرانی را به عنوان سنت‌ها و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آن‌ها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور، اعمال می‌شود که دربرگیرنده: ۱. فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تفویض می‌شوند، ۲. ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست و ۳. احترام شهروندان و دولت، نهادهایی که تعاملات اجتماعی و

اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند (World Bank, 2018) است.

بانک جهانی، حکمرانی خوب را براساس ۶ شاخص تحت عنوان شاخص حکمرانی جهانی (The Worldwide Governance Indicators (WGI) تعریف می‌کند و براساس این شاخص‌ها، وضعیت حکمرانی خوب را در بیش از ۲۰۰ کشور و در دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۶ به شرح زیر بیان می‌دارد:



نمودار ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس بانک جهانی

۱- حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی (Voice and Accountability): این شاخص بیان می‌کند که چگونه شهروندان یک کشور از شرکت در انتخاب دولت خویش و همچنین از آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی رسانه‌ها و انتشار آزاد اطلاعات برخوردار هستند. برآورد این شاخص، نمره هر کشور را در شاخص کل برحسب توزیع نرمال استاندارد و تقریباً بین ۲/۵ تا ۲/۵- نشان می‌دهد.

۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت/ تروریسم (Political Stability and Absence of Violence): این شاخص، احتمال بی‌ثباتی سیاسی، خشونت با انگیزه سیاسی از جمله

حملات تروریستی، نبردهای قومی و قبیله‌ای یا تغییر دولت را به تصویر می‌کشد. برآورد این شاخص نیز همانند شاخص قبل و تقریباً بین ۲/۵ تا ۲/۵- است.

۳- اثربخشی دولت (Government Effectiveness): در این شاخص کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌های دولتی و میزان تعهد دولت در برابر این سیاست‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برآورد این شاخص نیز همانند شاخص قبل و تقریباً بین ۲/۵ تا ۲/۵- است.

۴- کیفیت قانون‌گذاری (Regulatory Quality): میزان توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات صحیح برای ترقی و توسعه بخش خصوصی را نشان می‌دهد. برآورد این شاخص نیز همانند شاخص قبل و تقریباً بین ۲/۵ تا ۲/۵- نشان می‌دهد.

۵- حاکمیت قانون (Rule of Law): میزان تعهد شهروندان و دولتمردان در اطاعت از قوانین جامعه به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادهای، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها و همچنین احتمال ارتکاب جرم و خشونت را نشان می‌دهد. برآورد این شاخص نیز همانند شاخص قبل و تقریباً بین ۲/۵ تا ۲/۵- است.

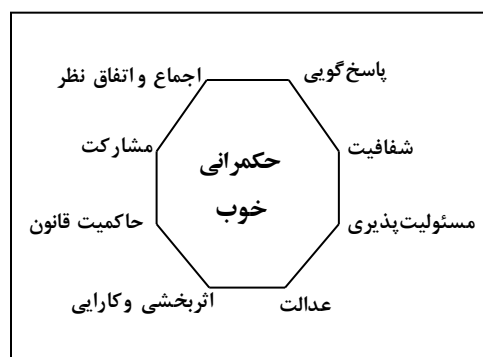
۶- کنترل فساد (Control of Corruption): از اندازه‌گیری میزان استفاده مقامات دولتی از امتیازات و امکانات دولتی برای منافع شخصی در سطح خرد و کلان و همچنین قبضه و تسلط دولت توسط گروه‌های فشار و ذی‌نفع حاصل می‌شود. برآورد این شاخص نیز همانند شاخص قبل و تقریباً بین ۲/۵ تا ۲/۵- است (World Bank, 2018).

سازمان ملل حکمرانی را بهره‌گیری مدیران اجرایی، مقامات سیاسی و اقتصادی برای اداره امور تمام سطوح کشور می‌داند (United Nations, 2007). سازمان ملل برای حکمرانی خوب ۸ شاخص به شرح شکل (۱) تقسیم‌بندی می‌کند:

## حکمرانی خوب

امیر جباری

دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران



شکل ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس سازمان

ملل (Yap Kioe, 2009)

تجربه جهانی گویای آن است که در حکمرانی خوب درآمدها، سرمایه‌گذاری‌ها و رشد اقتصادی افزایش و امید به زندگی بیشتر پدیدار می‌شود. تجربه کشورهای در حال صنعتی شدن از قبیل بوتسوانا، شیلی، کاستاریکا، استونی، لهستان و اسلونی و نیز شواهد بیست سال گذشته در اقتصادهایی از قبیل سنگاپور و اسپانیا حاکی از آن دارد که لازمه شکل‌گیری یک دولت توانمند و سالم آن نیست که کشور ابتدا کاملاً نوسازی و ثروتمند شود بلکه در سایه حکمرانی خوب می‌تواند به چنین توسعه اقتصادی دست یابد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

### کتاب‌شناسی

میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان

توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Feng, Y. (2003). *Democracy, Governance and Economic Performance: Theory and Evidence*, MIT press.

International Monetary Fund (2019). *IMF and Good Governance*, Available at IMF site: <https://www.imf.org/en/About/Factsheets/The-IMF-and-Good-Governance>.

Yap Kioe, Sheng (2009). "What Is Good Governance", *United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific* (UNESCAP), 1-3.

United Nations (2007). *Good Governance Practices the Protection of Human Rights*, New-York, Geneva, 1-94.

World Bank (2018). *Governance Indicators*, Available at: <https://info.worldbank.org/governance/wgi/>